



## گرامی باد چهل و سومین سالگرد حماسه سیاهکل و سی و

پنجمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن

(شورای مرکزی)

۱۹ بهمن ماه چهل و سومین سالگرد حماسه سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدائی خلق و ۲۲ بهمن ماه سی و پنجمین سالگرد قیام توده های زحمتکش مردم ایران علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب است. دوروز بزرگی که درحافظه تاریخی توده های زحمتکش مردم ایران، یکی از برجسته ترین نمادهای مبارزه برای رهایی از ظلم و ستم و استبداد و استثمار بشمار میرود. ما سالگرد این دوروز بزرگ تاریخی را به همه کارگران و زحمتکشان و رفقای رزمنده فدائی شادباش میگوئیم.

ادامه در صفحه ۲



سایکل جسم اراده و عمل انقلابی جان برکفایتی که ضرورت تاریخ را یافت بود!  
بشری غنی که ثبات و سعادت داشت، شراره های سرگرمی که نشان و سرکوب را در هم شکست!  
مادان اتحاد فدائیان کمونیست



## دمکرات کیست و چه کسی خواهان

دمکراسی است؟

(سیامک رضائی)

یکی از مباحث اصلی در درون جنبش انقلابی خلقها دمکراسی است. هرگروه و سازمانی سیاسی تعاریف مختص به خود را از دمکراسی ارائه میدهد و در پی عوامل و ابزار مادی معینی می باشند برای اجرا و یا حفظ دمکراسی. اگر بر مبنای تعریف ساده که برخی از دمکراسی ارائه میکنند دقیق باشیم و اگر به نقطه نظرات کامل آنان در مورد دمکراسی توجه کنیم خواهیم دید که دمکراسی آنها جز " لغتی " فریبکارانه چیزی دیگری نیست. اجازه دادن، تحمل کردن، اعطای حق و حقوق، و ... به برخی لغات تبدیل گشته اند که اکثر اوقات به آن افتخار

ادامه در صفحه ۴

## یکی به نعل یکی به میخ

(پاتوره)

ابراهیم نبوی در دقایق پایانی برنامه افق صدای آمریکا با موضوع «بازگشت به ایران»، گفت: «دهه ۶۰ هم که دیگه ۳۰ سال ازش گذشته، دیگه اصلا کسی یادش نیست. یارو می‌گه که آقا سال ۶۷ رو به یاد بیارید، خوب سال ۶۸ که آقای خمینی مرحوم شد کسی یادش نیست. شما اصلا یاد کسی نیار اون سال‌ها رو، ولش کن، تموم شد؛ به نظر من این داستان رو اصلا نباید بهش توجه کرد...»

ادامه در صفحه ۶

## سیاست جمهوری اسلامی در

گسترش فحشا

صفحه ۷

## نگاهی به فرایند تحولات کنونی در سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ۵۷

نوزدهم بهمن ماه سالروز رستاخیز سیاهکل، روز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ۲۲ بهمن ماه سالروز قیام عظیم و شکوهمند بهمن ۵۷، روزی که توده های مردم با قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را در ایران به گور سپردند، بعنوان دو روز بزرگ و فراموش نشدنی در تاریخچه مبارزاتی توده های زحمتکش مردم ایران فرا رسیده است. امسال در شرایطی به استقبال این دو روز بزرگ تاریخی می شتابیم که جامعه یکبار دیگر با سرعت بسوی یک رشته تحولات عظیم سیاسی و دگرگونیهای بنیان کن انقلابی به پیش میتازد. مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار رژیم جمهوری اسلامی بلاوقفه رشد و گسترش می یابد. جنبش توده ای پیوسته در حال رشد و اعتلاست. (کمیته کردستان)

ادامه در صفحه ۲

## کودکان خاموش ترین قربانیان نظام سرمایه داری!

(شراره)

ایران در زمره کشورهایانیست که حقوق کودکان در سطحی گسترده پایمال می گردد کارنامه رژیم جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بسیار تاریک و ننگین است. سازمانها و نهادهای منطقه یی و جهانی حقوق کودکان در این زمینه اسناد بسیاری در دسترس دارند. استثمار کودکان در شدیدترین وجه ممکن از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی شروع گردید و تاکنون نیز ادامه دارد. نمونه بسیار آشکار آن سود اندوزی از کار کودکان است. رژیم جمهوری اسلامی ایران از استثمار کودکان در پی کسب سود و منفعت مادی است.

ادامه در صفحه ۶

## تلاشهای اپورتونیست های درون جنبش

از بدو ورود جمهوری اسلامی به صحنه

تا کنون برای خاک پاشیدن به چشم توده

را پایانی نیست؟!!!

(مسعود)

از بدو ورود به صحنه جمهوری اسلامی که با تلاش سرمایه داری جهانی به روی صحنه سیاسی وارد شده بود تا راه انقلاب توده ها را سد کند و از تعمیق آن جلوگیری نماید و آن را سرکوب نموده و توده ها رابه خانه های خودبرگرداند با همکاری نتگانتگ اپورتونیست های چپ همراه بوده است.

ادامه در صفحه ۵

## تجربیات گذشته. موانع کنونی و

چشم اندازه آینده!

(آرش)

زمانی که صحبت از تجربیات گذشته بمیان می آید، بایستی آنچه را وظیفه اصلی و اساسی خویش قرار دهیم که نگاه به گذشته تصویری روشن از آنچه را که در انجام آن موفق نبوده ایم، بعنوان آموزش عملی حرکتمان در پیش روی قرار دهد. فعالیت کنونی ما بایستی آن موانعی که در دوره های گذشته سر راه جنبش بوده و آنرا ناکام گذاشته، از سر راه بردارد.

ادامه در صفحه ۵

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی.

## برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## گرامی باد چهل و سومین سالگرد حماسه سیاهکل و سی و پنجمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن

حماسه سیاهکل رعدی در آسمان بی ابر نبود. در دهه های سی و چهل شمسی آنچنان فضای امنیتی و سرکوب و کشتاری بر جامعه حاکم بود که رژیم سلطنتی (همچون رژیم جمهوری اسلامی) هر صدای آزادیخواهی و برابری طلبی را در گلو خفه میکرد و «ثبات و امنیت» ناشی از سرکوب و خفقان را در شیپورها می دمید. ستم و استبداد و زور و سرکوب چنان دامن گسترده بود که حتی یک اعتراض صنفی کارگری نیز بایورش نیروهای نظامی و کشتار کارگران پاسخ داده میشد و جامعه را فضائی از سکون و سکوت و بی عملی فرا گرفته بود. در چنین وضعیتی گروهی از جوانان کمونیست با تحلیل اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور سرانجام به این نتیجه رسیدند که پیشگامان کارگران و زحمتکشان جز با توسل به سلاح نمیتوانند پوشالی بودن قدر قدرتی دستگاه مستبد سلطنت را به توده های مردم نشان داده و آنها را متقاعد کنند که در صورت اتحاد، مبارزه و مقاومت میتوانند باتداوم مبارزه و قیام مسلحانه دستگاه جهنمی شاه را که توسط امپریالیستها بصورت همه جانبه حمایت میشد، درهم شکسته و بر سر نوشت خود حاکم گردند.

در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ طلایه داران جنبش نوین کمونیستی ایران با حمله به پاسگاه سیاهکل تولد سازمان چریکهای فدائی خلق را اعلام و مشعل مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را برافروختند. و با آغاز مبارزه مسلحانه جرعه امید و آرزوی سرنگونی نظام شاهنشاهی در دل توده های زحمتکش مردم زده شد و از آن پس فضای رخوت و سستی و ناامیدی ناشی سرکوب و تبلیغات جریانات سازشکار رنگ باخت و جای خود را به مبارزه و مقاومت و امید به پیروزی داد. شروعی که در تداوم خود در قیام عظیم و مسلحانه توده های زحمتکش مردم در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ببار نشست و کاخ ستمگری شاه و دارو دسته های حامی آن را درهم شکست.

.. هر چند که قیام ۲۲ بهمن رژیم سلطنتی را سرنگون کرد و بر نظام شاهنشاهی نقطه پایان نهاد. اما به دلایلی از جمله کشتار رهبران برجسته سازمان، فقدان حزب انقلابی طبقه کارگر و سطح پائین آگاهی و تشکل در میان توده های مردم، به اهداف خود نرسید. توطئه امپریالیستها و طبقات ارتجاعی و دارای جامعه بهار کارگران و زحمتکشان را در خون غرقه نمود و به

## اطلاعیه پایانی کنگره ششم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کنگره ششم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با شرکت نمایندگانی از تشکلات های داخل ، کردستان و خارج کشور در چند نوبت برگزار گردید.

گزارش سیاسی شورای مرکزی و قطعنامه های پیشنهادی قبلا در اختیار تشکلات قرار گرفته و در نشریه کار آنلاین منتشر شده بودند.

کنگره طبق دستور جلسه زیر اجلاس خود را با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز کرد

- 1- قرائت گزارش سیاسی
- 2- بحث حول گزارش سیاسی شامل اوضاع جهان، منطقه، ایران، وضعیت جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی
- 3- گزارش از بخش های مختلف تشکلات
- 4- ارزیابی از فعالیت های بین دو کنگره
- 5- انتقادات و بر شماری نکات قوت و ضعف
- 6- ارائه پیشنهادات و راه حل ها
- 7- بحث پیرامون قطعنامه ها و اصلاح و تصویب آنها
- 8- قرارهائی در رابطه با فعالیت داخل کشور
- 9- قرارهائی در رابطه با فعالیت کمیته کردستان و خارج کشور
- 10- پیرامون تعیین تکلیف کاندیدها و نحوه عضو گیری
- 11- پیرامون مسائل آموزشی و امنیتی
- 12- درباره اتحاد ها و مسائل و مشکلات مربوط به موانع تلاش مجموعه سازمانها ی شرکت کننده در نشست کلن و ..
- 13- تعیین نمایندگان شورای مرکزی و بازرسی
- 14- سرود انترناسیونال و پایان نشست
- 15- برگزاری پلنوم و تقسیم کار

کنگره ششم سازمان طی اجلاس خود دستور جلسه فوق الذکر را به ترتیب الویت مورد بحث و بررسی قرارداد و پس از اتخاذ تصمیمات لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

”گزارشات و قطعنامه های کنگره ششم در ویژه نامه نشریه کار کمونیستی و سایت کار آنلاین در دسترس فعالین جنبش و علاقمندان می باشد”

زحمتکشان در قیام ۲۲ بهمن سال ۵۷  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران  
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۹ بهمن  
۱۳۹۲

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
یک سازمان کمونیستی و بخشی  
از طبقه کارگر است که در جنبش  
آن شکل گرفته و هدف خود را  
گسترش و تکامل مبارزه طبقه  
بسمت پیروزی نهائی و ساختمان  
جامعه سوسیالیستی و کمونیستی  
قرار داده است، که در آن وحدت  
و یگانگی انسان تامین و تکامل  
هر فرد شرط تکامل همگان  
است. مبانی سیاسی و خط و  
مشی آن در برنامه سازمان بیان  
گردیده است.**

جای آزادی، برابری و رفع ستم و استثمار،  
ارتجاعی ترین حکومت مذهبی بر مقدرات  
جامعه حاکم شد .. اکنون بیش از سه دهه  
است که کارگران، زنان، جوانان و مردم  
زحمتکش ایران و افراد و نیروهای انقلابی  
با دادن قربانیان بسیار با این رژیم و طبقه  
سرمایه دار پشتیبان آن به مبارزه ادامه  
میدهند. ادامه مبارزه و مقاومت، بیداری و  
ارتقای سطح آگاهی و مبارزه کارگران  
، زنان، دانشجویان و خلقهای تحت ستم  
و استثمار در سالهای اخیر چشم انداز نوینی  
را در جهت سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم  
کشور است. اکنون که ۴۳ سال از حماسه  
سیاهکل و ۳۵ سال از قیام شکوهمند ۲۲  
بهمن سپری میشود ضمن گرامیداشت یاد و  
خاطره جانفشانان و شهدای این دو واقعه  
تاریخی بزرگ، میباید از نقاط ضعف  
و قوت آنها ارزیابی درست و علمی به عمل  
آورد و از تجربیات گرانهای آنها در شکستن  
جو موجود و سازماندهی برای سرنگونی  
نظام حاکم و استقرار آزادی و سوسیالیسم  
بهره جست.

گرامی باد خاطره تابناک حماسه آفرینان  
سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۴۹  
گرامی باد یاد دلاوریهای طبقه کارگر و

## نگاهی به فرایند تحولات کنونی در سالروز رستاخیز

### سیاهکل و قیام بهمن ۵۷

بر عمق و ژرفای بحران اقتصادی و سیاسی افزوده می شود و رژیم جمهوری اسلامی پس از 35 سال ستمگری اقتصادی و سیاسی بر توده ها در بحرانهای لاینحل دست و پا می زند و بسوی اضمحلال و فروپاشی قطعی پیش می رود. تمامی شواهد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود، چشم انداز این تحولات سیاسی را آشکار می سازند. تشدید بحران اقتصادی بر کلیه عرصه های صنعتی، مالی و بازرگانی و کشاورزی به وضوح دیده می شود در بخش صنایع رکود مزمن همچنان پا بر جاست و بنا به دلایل مالی، تکنیکی و سیاسی، هیچ چشم انداز رو به بهبودی بر این حیطة فعالیت اقتصادی دیده نمی شود. وضعیت مالی رژیم بشدت روبه وخامت است. خزانه دولت تهی گردیده و تحت تاثیر سیاست ماجراجویانه رژیم و تحریمهای دول غربی درآمدهای نفتی کاهش چشمگیری یافته است. بی ثباتی سیاسی - اقتصادی ابعاد وسیعی بخود گرفته و تمرکز سرمایه در دست عده ای از سردمداران رژیم موجب کسب سودهای نجومی حاصل از استثمار کارگران و زحمتکشان ایران برای ایشان گردیده است. تسلط روز افزون بورژوازی بوروکرات بر ارکان اقتصادی و حاکمیت بی رقیب سپاه پاسداران زندگی توده های مردم را به ورطه نابودی کشانده و منافع اقتصادی و اجتماعی آنان را در معرض حراج و تاراج قرار داده است.

کشاورزی نیز به تبعیت از بحران صنعتی و مالی و سیاستهای ارتجاعی حاکمیت، عدم تامین مایحتاج مالی و فنی دهقانان و فشارهای متعددی که از سوی دولت نسبت به دهقانان اعمال می شود، اوضاع پیوسته وخیم تر شده است. تمامی بار این بحران همه جانبه اقتصادی و فشارهای ناشی از آن بردوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است.

علاوه بر اینکه غارت و چپاول سرمایه های ملی و دزدیهای میلیارد دلاری سردمداران رژیم و دلالان آن عمق فاجعه را دو چندان آشکار می سازد.

استثمار کارگران به نحو کم سابقه ای تشدید شده است. دستمزدها همچنان ناچیز است و حتی کفاف تامین حداقل معیشت کارگران را نمی دهد. شرایط زندگی طبقه کارگر ایران به سطح بسیار نازلی تنزل نموده است. بخش عظیمی از کارگران بیکار در فقر و مسکنت هولناکی بسر میبرند. کمبود مایحتاج عمومی، تورم افسار گسیخته و

آموزشی و بطور کلی خدمات عمومی را بردوش توده ها قرار داده است و در نهایت با حذف سوبسیدها عمق سیاست ضد مردمی خویش را به نمایش گذاشت و ثابت نمود که برای حفظ منافع کلان سرمایه داران داخلی و خارجی حتی حاضر است که نان خشک را نیز از سفره کارگران و زحمتکشان دریغ نماید.

مکمل این سیاست اقتصادی، توسل رژیم به دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته، سرکوب و اختناق و سلب ابتدایی ترین حقوق توده های مردم بوده است. رژیم برای مقابله با رشد فزاینده مبارزه کارگران و زحمتکشان، هرگونه آزادی سیاسی را نفی نموده، بساط دار و اعدام را براه انداخته و جنایتکاران کهریزک را ترفیع درجه و ارتقا مقام میدهد. ادامه این سیاست داخلی در عرصه سیاست خارجی به شکل ماجراجوییهای نظامی و بحران آفرینی و شاخ و شانه کشیدنهای بی محتوا تبلور می یابد که بار مصیبتهای آن تنها بردوش کارگران و زحمتکشان میهنمان سنگینی کرده و خواهد کرد. تمامی این سیاستهای داخلی و خارجی رژیم منجر به تشدید تضادها و رشد روز افزون مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان ایران شده است. توده های مردم قادر به تحمل این همه فشار نیستند و موج اعتراضات توده ای بنیانهای حاکمیت را در هم خواهد شکست. تشدید بحران اقتصادی، تشدید بحران سیاسی را در پی خواهد داشت و رشد بحران سیاسی تضادها و اختلافات درونی حاکمیت را مداوما تشدید خواهد نمود. اوضاع بحرانی موجود و تحقق خواسته های انقلابی توده ها یک دگرگونی بنیادین و انقلابی را میطلبد و یگانه راه حلی که بتواند توده های مردم را از زیر بار تمام ستمگری سیاسی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود رها سازد، راه حل انقلابی و دموکراتیک مسائل از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار قدرت توده ای و برچیده شدن سیستم کهن و ارتجاعی با تمام پیوندهایش است. تحقق خواسته های انقلابی توده ها نه در شعارهای بی محتوای جریانات عافیت طلب و آزموه شده که پرونده قطور خیانت و جنایت آنان بر علیه توده ها بر همه آشکار است و نه در شیفته و شیدا شدن دستجات آدمکش و چماقدار درون حاکمیت بلکه در اعمال اراده خود آنان در براندازی نظام جمهوری اسلامی با تمامی دستجات آن چه در درون حاکمیت و چه بیرون آن نهفته است. 35 سال تجربه پس از قیام بهمن ماه 57 به کارگران و زحمتکشان ایران اثبات نموده است مادام قدرت سیاسی در دست سرمایه داران قرار دارد هیچ یک از

افزایش پی در پی قیمت کالاها انواع و اقسام تحمیلات و افزایش مالیاتها و باج گیریهای متعدد دولتی چنان وضعیتی را پدید آورده است که عموم توده های مردم در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و مادی قرار گرفته اند.

رژیم جمهوری اسلامی که اساسا پاسدار منافع سرمایه داران است جز تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و انتقال هر چه بیشتر بار بحران بردوش زحمتکشان و وابستگی روز افزون اقتصادی به امپریالیسم طی این 35 سال کار دیگری نکرده است. انعقاد قراردادهای پی در پی با دول امپریالیستی و انحصارات بین المللی برای صدور سرمایه به ایران و تسهیلات و امکاناتی که در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی قرار گرفته است. خود گویاترین دلیل این وابستگی روز افزون اقتصادی به امپریالیسم و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان میهنمان توسط سرمایه داران ایرانی و بین المللی است. حراج ثروت و سامان ملی توسط بورژوازی بوروکرات و در راس آن سپاه پاسداران در خارج از کشور از طریق دلالتی نظیر زنجانی و ضراب در زمان تحریمهای دول غربی علیه ایران و کسب سودهای میلیارد دلاری از جانب سرمایه داران خارجی و داخلی گواه این امر است که سرمایه داران داخلی و شرکای بین المللی آنها در رهگذر کسب سود هر چه بیشتر و دزدیهای میلیارد دلاری هیچ حد و مرزی از شیادی و دورغ و فریبکاری نمی شناسند. سخنان آخوند روحانی در داووس و فراخوان و دعوت به سرمایه گذاری در ایران و تاکید بر اینکه ایران و حاکمیت آن بهترین حافظ منافع آنان در ایران و منطقه بوده و هست همگی گواه این حقیقت است که رابطه سرمایه در سطح جهانی همچنان رابطه ای بر پایه استیلا و وابستگی میباشد و امپریالیسم و انحصارات بین المللی برای تامین منافع اقتصادی خویش حاکمیتهای ارتجاعی و وابسته را نظیر جمهوری اسلامی مورد حمایت خویش قرار میدهند. والا ساختار سیاسی جمهوری اسلامی همان ساختار سه دهه پیش از این است و با سرکار آمدن روحانی چیزی تغییر نیافته تا امپریالیسم جهانی در سیاستهای خویش نسبت به این سیستم تجدید نظر نماید.

رژیم بمنظور انتقال بار بحران بردوش توده ها و جبران افلاس و ورشکستگی خویش هزینه های خدمات درمانی و بهداشتی و



## نگاهی به فرایند تحولات کنونی در

### ساروز ...

خواسته‌های توده‌های مردم محقق نخواهد گشت . وجود شمار کثیری از جریاناتی که تحت حمایت‌های مالی دول غربی و با نام انتقاد از شیوه حاکمیت جمهوری اسلامی و یا فلان سردمدار رژیم سعی در تخطئه مبارزه قهر آمیز بمنظور سرنگونی حاکمیت داشته و اعمال قهر از جانب توده ها و پیروانش را اساسا به استهزا گرفته و رد میکنند بیانگر این واقعیت است که قریب به اتفاق آنها ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیسم بوده و هدف مشترکی که همانا ابقا سیستم استثمارگر سرمایه داری است را دنبال میکنند . تداوم 35 سال حاکمیت ارتجاعی اثبات مینماید که راهی را که جنگاوران فدایی در 19 بهمن ماه 49 پیش پای پویندگان راه آزادی و برابری قرار دادند به حق تنها راه برافروختن آتش مبارزه بی امان علیه ستمگران نظام فرتوت سرمایه داری است .

زمان آن فرا رسیده که کارگران و زحمتکشان ایران با بی اعتمادی کامل نسبت به تمامی مخالفان بورژوازی رژیم در هر شکل و شمایل و با هر ادعایی که دارند بپا خاسته و قهر مادی را با قهر مادی پاسخ گویند .

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - بهمن ماه ۱۳۹۲

خیانت به منافع اکثریت جامعه را به آنان نخواهند داد . این روی دیگر همان دمکراسی یعنی دیکتاتوری توده های مردم علیه طبقات ستمگر جامعه است . این دیکتاتوری محصول عالیترین و با نظم ترین دمکراسیها است . دیکتاتوری علیه سرمایه داران ، صاحبان اراضی و ستمگران . بدون چنین دیکتاتوری ، دمکراسی اکثریت به هیچوجه معنا و مفهوم نخواهد یافت . اکنون در خواهیم یافت که دمکرات کسی است که حکومت اکثریت اقشار و طبقات توده های مردم علیه اقلیت ضد مردمی یا ضد انقلابی جامعه را در عمل پذیرفته باشد نه در حرف . دمکرات بایستی بداند حکومت اکثریت اقشار و طبقات توده های مردم یعنی اعمال دیکتاتوری اکثریت اقشار و طبقات محروم علیه اقلیت ستمگر و استثمارگر . به همین دلیل دمکرات کسی است که تسلیم دیکتاتوری اکثریت جامعه علیه اقلیت استثمارگر باشد . بدون چنین دیکتاتوری اقلیت ستمگر قادر خواهد گشت با قدرت و توان اقتصادی خویش حاکمیت و قدرت اکثریت را در هم شکسته و صندوقهای رای برای اجرای انتخابات آزاد را خریداری نماید . به همین دلیل بدون در نظر گرفتن حاکمیت اکثریت حرف زدن در مورد دمکراسی گزافه گویی خواهد بود .

سیامک رضایی

## دمکرات کیست و چه کسی خواهان دمکراسی است ؟

خویش تبدیل نمایند . معلمین چنین دمکراسی توده های مردم را با دمکراسی و تفکر و اندیشه آزاد آشنا نمی سازند ، بلکه بردگی و تسلیم طلبی را به آنان آموزش می دهند . توده های مردم را آموزش می دهند تا اقلیتی ازاد استثمار شده باقی بمانند و به استثمار کنندگان حق بدهند که زنجیرهای بردگی را بر دست و پای آنها محکمتر نمایند و در مقابل اینهمه ستم و استثمار نیز به آنان افتخار نموده که معنای دمکراسی را بخوبی فهمیده و دمکرات گشته اند . دمکراسی به معنای حکومت اکثریت است و پیروز نیز ناچار است برای اعمال حاکمیت خویش ترس و وحشت را بر دل‌های مرتجعین بیافکند . دمکراسی به معنای ایجاد شرایطی است که اکثریت جامعه قادر باشند سرنوشت خویش را تعیین نمایند . دمکراسی یعنی ایجاد اندسته عوامل مادی و ساختن ستونهای عینی است که اکثریت جامعه بتوانند از طریق آنها حاکمیت خویش را مستقر نمایند و سرنوشت خویش را تعیین نمایند . این دمکراسی نه به معنای اجازه دادن است و نه تحمل کردن و نه مایه فخر و مباهات است . این دمکراسی در جریان انتخابات آزاد و از طریق رای دادن آزادانه به دست نیاید ، این دمکراسی اتوریته خویش را از راه رای دادن تک تک افراد جامعه به دست نمیآورد بدلیل اینکه اکثریت جامعه تا زمانی که متحد نشده و سازماندهی نشده باشند ، بدلیل تبلیغات نظام طبقاتی و دستگاه تبلیغاتی بورژوازی قادر نخواهد بود از منافع خویش دفاع نموده و نخواهد توانست اراده خویش را اعمال نماید . این دمکراسی اتوریته خویش را از راه ارگانهای سازماندهی شده مردمی به دست خواهد آورد ، که نیروی اراده جمعی توده های مردم را در خود گرد آورده است . این دمکراسی محصول نیرو و قدرت سازمانها و تشکلهای مسلح توده ای است که تمامی دستگاه و ماشین دولتی بورژوازی را در هم شکسته است و با آگاهی از منافع و آرمانها و اهداف انقلابی خویش نمایندگان واقعی خویش را بر میگزیند و حکومت اکثریت جامعه را مستقر می سازد . اکثریت جامعه بخاطر اینکه توده های کارگر و زحمتکش جامعه را شامل میشود ، در همان حال بیشترین دمکراسی را برای خویش محقق میسازند ، اما در مقابل به اقلیت ستمگر ، اقلیت استثمارگر و اقلیت سرمایه دار که در نتیجه استثمار از کار مزدی و ستم و استثمار ، بیشترین ظلم و ستم را بر اکثریت جامعه روا داشته اند ، نه (( اجازه )) ستمگری و نه (( حق )) دزدی و غارت میدهند . بلکه آزادی این اقلیت استثمارگر را به تمامی محدود نموده و به هیچوجه اجازه

کرده و از سر دلسوزی و ترحم به اقلیت جامعه و عظمت و بزرگی خویش اجازه دهند تا (( اقلیت جامعه به طریقی آزاد عقاید خویش را ابراز نمایند )) . از نظر آنها دمکراسی به معنای حکومت اکثریت در همه جا و مکانی است . اکنون سؤال این است که اگر دمکراسی به معنای حکومت اکثریت است ، دیگر (( اجازه دادن )) و تحمل کردن (( چه معنایی پیدا خواهد کرد و چرا به تحمل کردن و اجازه دادن افتخار کرده و بدان وسیله برای خویش پرستیژ کسب می کنند . شنیدن این لغات هر فردی را بیاد حرفهای سران جنایتکار جمهوری اسلامی در زمان سرکوبهای سال 60 و پس از آن خواهد انداخت که میگفتند : ما در شرایط سالهای اول و پس از قیام اجازه دادیم نیروهای سیاسی میتینگ و اجتماعات برگزار کنند . آنها را تحمل کردیم تا در مجلس خبرگان و مجلس شورای ملی مشارکت نمایند . اجازه دادیم تا روزنامه و اطلاعیه منتشر نمایند و علیه جمهوری اسلامی تبلیغ کنند و ... و اکثر اوقات شنیده ایم که سران جمهوری اسلامی میگویند یکاش انچنان عمل نمی کردیم تا اکنون دچار چنین مشکلات سازمانها و نیروهای سیاسی نمی شدیم . اما هر فرد آگاه میداند که دمکراسی در درون جامعه نه محصول (( تحمل کردن )) و (( اجازه دادن )) رژیم جمهوری اسلامی و دمکرات بودن آن ، بلکه اتوریته دمکراسی آنزمان انقلاب ایران بود . دمکراسی که اتوریته خود را از طریق ارگانهای مسلح مردمی ، از طریق شوراهای کارگری ، نهادهای دمکراتیک مردمی و قدرت اراده عمل انقلابی توده های مردم بر حاکمیت سیاسی جدید تحمیل نموده بود . قدرت اراده ای که رژیم سلطنتی را در تمامیت آن سرنگون ساخته بود ، هیچ نیروی ارتجاعی توان ایستادگی در برابر آنرا نبود . فردی که در حکومت اکثریت (( اجازه دادن )) به اقلیت را درک کند ، نه تنها دمکرات نیست ، بلکه از دمکراسی تنها لغتی بی اساس و بی معنی و بدون محتوا می سازد که برای سرمایه داران و استثمارگران همانند بهشت و برای استثمار شدگان و تهیدستان همچون دام و فریبی بیش نیست . این دمکراسی در حرف دمکراسی برای اکثریت و در عمل دمکراسی برای اقلیت است ، در عمل حکومت اقلیت و در حرف حکومت اکثریت است . اینچنین دمکراتهایی با اعطای آزادی به اقلیت جامعه به آنان اجازه می دهند تا به هر طریقی که میخواهند جامعه را استثمار نمایند ، غارت کنند و مردم را به برده

## تلاشهای اپورتونیست های درون جنبش از بدو ورود جمهوری اسلامی به صحنه تا کنون برای خاک پاشیدن به چشم توده را پایانی نیست!!!

توده ها خوب به یاد دارند که چگونه توده ای ها امام امام می کردند و از خط کذابی آن چگونه دفاع می کردند و اگر واژه ای از دهان مسئولی بیرون می آمد آنها چگونه آن را تفسیر می کردند و رنگ بوی انقلابی به آن می دادند کلماتی مانند مستضعف و غیره را توده ای ها روی زبانها انداختند هم آنها بودند که این را تا آنجا پیش بردند تا از اعضا و هواداران خود خواستند تا انقلابیون واقعی موجود را که با نظام مبارزه می کردند را به کمیته ها یکی از ارگانهای سرکوب رژیم لوداده و همچنین به یاد دارند که در این تا بدانجا پیش رفتند که توده ها به دبیر اول آنها لقب ایت الله داده بودند این همکاریها و توجیح اعدام و شکنجه ادامه داشت تا خود آنها را مورد حمله قرار دادند پس از آن به خارج گریخته اکنون نیز برای توجیح عمل کرد گذشته خود با زره بین به دنبال آن هستند تا کلمه ای از دهان کسی از حاکمیت خارج شود و آنها آن را علم نموده بگویند نگاه کنید چنین طرز فکریهایی نیز در درون این حکومت هست و دلیل اعمال قبلی ما این طرز تفکر درونی حاکمیت بود

به همین دلیل است که یک روز از گنجی سعی دارند قهرمان بسازند یک روز ده نمکی را برای سی دی فقر فحشا می ستایند یک روز عکس اکبرگنجی را در سایت خود می گذارند که روی ملحفه ای خوش نقش نگار دراز کشیده و ظاهرا بی حال است قلم فرسایی می فرمایند و در مدح آقای گنجی و مقاومت و قهرمانیهایش تا بدانجا پیش میروند که انگار فراموش کرده اند که در اوین خود چه دیده اند ( هرچند که توده ایها یسی که در زندان شکنجه مستقیم شده باشند اگر هم وجود داشته باشند انگشت شمار هستند و آنها کمتر به لمس کرده اند . آنها را مثل جریانه های دیگر که حتی هواداران ساده اش را چنان شکنجه می کردند نبودند اما بالاخره اگر چه نخورده اند نان گندم ولی دیده اند دست مردم ) و انگار به یاد ندارند که پس از شکنجه های وحشتناک به حالت چمباتمه در حالی که چشمها مزین به چشم بند بود باید در راهرو شب را صبح می کردند تا دوباره صبح آنها را به اتاق شکنجه فرا خوانده و روز از نو روزی از نو و یا اگر ده نمکی این مزدور معروف سرمایه نا پرهیزی نمود و سی دی به نام فقر و فحشا را درست کرد آنها جشن می گیرند که بیایید دفاع کنید از این کارگردان که ملاک حال اوست انگار نه انگار که همین مزدور در دانشگاه

هزاران جنایت کرده و دستش به خون بهترین های این مردم الوده است . یادشان رفته یا بهتر است بخوانیم می خواهند فراموش کنیم که همین اینها چه گلویی پاره می کردند روزگاری به دفاع از خامنه ای برای خط امامی بودن او و اصلاح خواهی وی .

اینان از همان روزهای ابتدایی جمهوری اسلامی تمامی توان خود را به کار گرفتند تا با خاک پاشیدن به چشم توده ها و با همکاری های عملی با نظام جمهوری اسلامی را تثبیت نمایند و حالا نیز با تمام توان سعی بر این دارند تا از جناحی از رژیم دفاع نموده و با دفاع از آن جناح علاوه بر توجیح اعمال گذشته خود از هرگونه رادیکال شدن جنبش جلوگیری نموده و توده را از سمت و سو گرفتن به سمت انقلاب منحرف نمایند .

عده ای آمدانه براین می کوشند و در جهت سیاست های سرمایه قدم بر می دارند و عده ای نیز به دنباله روی از آن عده به این عمل کمر بسته اند شاید در این رهگذر بارانی بیبارد و ترک های دیوار مخدوش شود . غافل از اینکه توده ها حافظه تاریخی دارند و اعمال گذشته آنها را هرگز فراموش نخواهند کرد .

مسعود 92/11/13

منتشر شده در نشریه راه سرخ - 13

### تجربیات گذشته . موانع کنونی و چشم اندازه آینده !

گذر از راه سخت و دشوار گذشته تنها به شرطی قدمهای عملی در راه پیروزی و موفقیت آینده بر میدارد که با درس گیری از شکستهای گذشته و با در نظر گرفتن عوامل آن به دنباله روی از حوادث نرفته و از اخلاق و عمل آنها را به کنار نهیم . تا اینکه در ورطه خرده کاری که از ویژگیهای بارز فرصت طلبی است در نیفتیم . بهره گیری از تجارب گذشته به شرطی امکان پذیر است که با نگرشی روشن و شفاف با کار و فعالیت منسجم و مستمر بمنظور عدم تکرار اشتباهات گذشته ، قدمهای عملی برداریم . ممکن است احزاب ، و یا شخصیتهای رهبری جنبش دچار اشتباه گردند ، زمانی که در برابر قضاوت توده های مردم که بار اصلی هر شکستی را بردوش خویش میکشند و در پیکار علیه دشمن طبقاتی آنها هستند که نقش اصلی را ایفا میکنند ، قرار میگیرند ، زمانی که با

معیار تجربه عملی خویش ارزیابی میشوند ، اگر در اصلاح اشتباهات نکوشند و اگر سعی در رفع موانعی که به تجربه تاریخی شکست خورده اند ننمایند ، نشاندهنده خواست و اراده توده های مردمی که ستونهای اصلی هر جنبشی هستند نخواهند بود و جز تکرار خسته کننده این اشتباهات کار دیگری انجام نمیدهند . آنچه که امروز دامنگیر جنبش و بخصوص نیروهای چپ گردیده و برای گریز از واقعیتی به تکرار مکررات پرداخته و ناتوانند از تحلیل مشخص و بکارگیری آن در عرصه فعالیتها عملی خویش . ایمان و اعتقاد به آموزش از تجربیات تاریخی جز از طریق قدم نهادن در مسیر عملی ، ارزیابی نخواهد شد . اگر تلاش برای محور ریشه های تاریخی این حرکت به عامل محرومیت از تجربیات گذشته آن تبدیل خواهد شد . اصرار ظاهری نیز بر این تجربیات تنها در کار و فعالیت تحلیلی این تجربیات و غرق شدن در افتخارات آن نیز همانند محرومیت از تجربیات گذشته جنبش میباشد .

روند عملی تاریخ مبارزه خلق کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش ، در مسیری معین به پیش میروند و هیچ وقت هیچ حرکتی از راهی که طی نموده و از آن تجربه اندوخته منحرف نخواهد گشت و آلترناتیو خویش را در آموزشهای عملی خویش و حتی با تحمل رنج و دشواریهای فراوان می آفرینند . بایستی دانست تجارب کدامند و چگونه بکار میآیند . نتایج این تجربه پر ارزش امروز چیست و وظایف ما در مقابل آنها چیست . بایستی دانست که تجربه اندوزی و تکرار تجارب گذشته کافی نیست . برای بکارگیری تجارب بایستی نیروی قوی و دنباله روی حرکت رو به پیش تاریخی بود . زمانی که اتکا به نیروی توده های مردم از میان برود و همبستگی و اتحاد صفوف جنبش از هم بپاشد ، اتکا به عوامل خارجی در اولویت قرار میگیرد . آنچه که امروز دامنگیر اکثریت قریب به اتفاق نیروهای محلی از نیروهای ملی گرا گرفته تا نیروهای بینابینی به ظاهر چپ شده و در حسرت آن لحظه شماری میکنند . ادامه در صفحه ۸

**با کمک ها مالی خود  
سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست را یاری  
رسانید .**

## کودکان خاموش ترین قربانیان

### نظام سرمایه داری !

شرازه

بی توجهی به مسئله کودکان از مشکلات جامعه ایران محسوب می گردد . نظامی که در آن کودکان به اتکا وضعیت اقتصادی خانواده هایشان روزگار را سپری می کنند و حاکمیت نیز خود را در برابر مشکلات آنان مسئول نمی داند ، با توجه به اینکه در ایران صدها هزار کودک خیابانی وجود دارند و میلیونها کودک به دلیل فقر و نبود امکانات از درس و مدرسه محروم هستند و در فقر و محرومیت مطلق بسر می برند ، راه دیگری در پیش ندارند جز اینکه برای بقاء خویش تن به بردگی و کار طلاق فرسا دهند . امروز کار کودکان در جامعه ایران ، جامعه ای که افزون بر 80% آن زیر خط فقر بسر می برند امری طبیعی محسوب می گردد .

این غنچه ها هنوز نشکفته که به دلیل فشارهای روحی و جسمی و ترس از آینده نامعلوم پرپر می گردند . مهترین علت کار کودکان رشد و گسترش فقر و نابرابری در جامعه است . کودکی که پیش از رفتن به مدرسه مشغول کار می شود نمیتواند رشد کرده و نیروی خلاق خویش را بکار ببندد . در حالی که اگر از حداقل امکانات رفاهی بهرمنند گردد و سواد را فرا می گرفت . آنگاه چنین مشکلاتی روی نمی دادند .

ده ها هزار کودک زیر 15 سال بخشی از نیروی کار کشورند که بخشی بزرگ از آنان از شرایط مساعد کار ، زندگی و فراگیری سواد محرومند . بسیاری از کودکان 10 تا 18 سال در بخشهای صنعتی ، خرده فروشی ، تعمیرات ، حمل و نقل و ماهیگیری فعالیت دارند .

از طرفی دیگر ده ها هزار دانش آموز پس از اتمام مرحله راهنمایی قادر نیستند مرحله متوسطه را ادامه داده و به ناچار روانه بازارهای کار رسمی و نیمه رسمی در شهر و روستاها می گردند . نیمی از کسانی که ترک تحصیل نموده اند را دختران تشکیل می دهند ، به همین دلیل حتی اگر گفته مسئولین رسمی رژیم را که می کوشند حداقل حقایق را اعلام نمایند تا اینکه رژیمشان بی بلا بماند و همچنین مورد خشم و نفرین مسئولین بلند پایه تر خویش قرار نگیرند ، مبنای ارزیابی خویش قرار دهیم ، چشم اندازی از وضعیت کار و زندگی وحشتناک کودکان در برابر دیده گانمان خودنمایی میکند . جامعه ای که بیشتر از

## یکی به نعل یکی به میخ

«...از طرف دیگر محمد نوری زاد فرد

دیگری از همین جناح(اصلاح طلبان) در ایرانگردی هایش که آنرا سفر صلح و دوستی می خواند در کردستان بر سر مزار شهریار و احسن ناهید می رود.

این برخورد دو گانه از دو نفر که از یک جریان سیاسی دفاع می کنند نشانگر چیست؟ جالب این است که هر دو هم از افرادی هستند که با هنر و ادبیات سر و کار دارند. هر دو خوب می دانند که جنایت هیچ گاه فراموش نمی شود. اگر تاریخ در انکارش بکوشد سر از اسطوره بر می آورد. اگر قربانی و قربانی کننده دم فرو بندند در ادبیات جلوه گر می شود. این است که به هر دری می زنند که خود را از آن مبرا کنند. یکی که از یاران نزدیک لاجوردی در آن سال ها بوده است. دستپاچه و با ادبیات و حرکت سر و دستی لومپن مآبانه(می توانید بار دیگر آن مصاحبه را ببینید) از بقیه می خواهد که آن را فراموش کنند و دیگری با رفتن بر سر مزار جانبختگان آن سالها می خواهد بگوید که اگر هم بوده ما و جناح ما نبوده ایم. اما جالب اینجاست که هیچ یک از این دو برخورد نمی تواند این زخم را بر روان یک ملت درمان کند. و این سؤال هم که آیا اگر فلانی خودش جانبخته ای داشت آیا این حرف را می زد؟ هم حرفی سطحی است. چرا که در اینجا بحث داغدار شدن یک خانواده نیست. بحث گرهی ست که در روان یک ملت بسته شده است. تک تک خانواده های مقتولین هم اگر ببخشند و حتا فراموش کنند حافظه ی تاریخی این مردم فراموشش نمی کند. چون سرطانی که شاید بتوان با افیون دردش را پوشاند اما نمی توان ریشه کنش کرد. حافظه و آگاهی تاریخی در اختیار فرد نیست که بخواهد فراموش یا انکارش کند، در عین حال فرد افراد هم با آن درگیرند. این را خود آقایان هم می دانند اما هراس مکافات هم چیزی نیست که بتوانند از آن بگریزند. کابوسیت که راسکلینکف وار(شخصیت رمان جنایت و مکافات اثر دایستایوسکی) دست از گریبانشان بر نمی دارد. باید به آنان گفت شما به کار این مردم کاری نداشته باشید. شما بکشید که خودتان آن را فراموش کنید. اگر جنایتکار جنایت را فراموش کرد. مردم نیز فراموشش خواهند کرد. احسان حقیقی (پاتوره)

را نسبت به کار کودکان جریحه دار می کند ، تجاوز جنسی به کودکان است که بیشتر در کارهای شیفت شب و مکانهایی که کار دست جمعی انجام می شود روی می دهد . دلیل وجود چنین شرایط وحشناک و دلخراش برای کودکان همانا فقر و محرومیت است و بس . هر کسی میداند که ایران کشوری غنی و ثروتمند است و در آن به اندازه بی امکانات و منابع زیر زمینی موجود است که آموزش و پرورش و بهداشت و درمان مجانی باشد . هر کسی مسکن داشته باشد و کسی با شکم گرسنه سر بر بالین نگذارد . چرا مردم ایران دچار سیه روزی گشته اند ؟ بایستی نظام حاکم را مقصر دانست . نظامی که کمترین بویی از آزادی و عدالت نبرده است .

80% افراد آن در ترس و وحشت از آینده زندگی میکنند ، جامعه ای که در آن میانگین سنی تن فروشی و سکنه قلبی 20 سال است ! آیا این جامعه فاجعه دلخراش انسانی نیست پس چیست ؟ کار کودکان در ارتباط است با اقتصاد رسمی که در آن به شیوه غیر قانونی از کودکان بهره کشی می کنند و کودکان در جامعه به کارهای سخت و خطرناک مشغولند ، همانند کار در کارگاههای تعمیر اتومبیل ، کارخانه ها ، صنایع دستی ، کارگاههای ماشینی و صنعتی و کارگاههای فرش بافی که با در نظر گرفتن قانون بین المللی کار که بر اساس آن هیچ فردی زیر 15 سال به شیوه رسمی کار کند ، کار کودکان در این زمینه ها برای کارفرما جرم محسوب می گردد . این در شرایطی است که کارفرماها میگویند : به همان اندازه که سن کارگران کمتر باشد بهتر است چونکه دستمزد و حقوق کارگران قانونی شمول آنان نمی گردد . بر پایه اخبار و گزارشات مختلف ، سن کودکان فرش باف که یکی از کارهای مرسوم کودکان بحساب می آید ، 7 تا 15 سال است که روزانه 12 ساعت در شرایط بسیار خراب و نامساعد کاری بسر می برند . یکی از مسائلی که احساسات انسانی

راه سرخ (شماره 13) ارگان شورای مرکزی داخل کشور سازمان منتشر شد . آخرین انتشارات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را از سیات های زیر دریافت کنید .

[www.kare-online.com](http://www.kare-online.com)

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

# راه سرخ



## سیاست جمهوری اسلامی در

### گسترش فحشا

صیغه از ابزارهای اصلی جمهوری اسلامی در گسترش فحشا بصورت قانونی است و هدف از آن مسخ شخصیتی زنان و اعمال ستم جنسیتی بر آنان توسط مرتجعین حاکم بر ایران است. بیش از 3 دهه حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی جامعه ایران با بحرانهای عظیم و معضلات اجتماعی عدیده ای مواجه گشته است که تماماً حاصل حاکمیت رژیم است که حد و مرزی برای سرکوب و استثمار توده ها و بخصوص زنان را نمی شناسد. بدنبال سرکوب جنبشهای توده ای سال 60 و قلع و قمع مخالفان سیاسی رژیم توانست با استفاده از جو رعب و وحشت حاکم بعد از کشتار مخالفان دستاوردهای دموکراتیک قیام 57 و بخصوص دستاوردهای دموکراتیک جنبش زنان را آماج حملات وحشیانه خویش قرار داده و بدنبال اعمال سیاست ارتجاعی تحت لوای یا روسری یا توسری زنان را از حق طبیعی و ابتدایی خویش که همانا انتخاب پوشش بود را محروم نماید. با برداشتن قدم اول یا همان اعمال حجاب اجباری لازم بود تا رژیم سرمایه داری فوق ارتجاعی حاکم بر ایران در پی اجرای تفکرات استثمارگرانه خویش بر زنان جامعه باشد و در این راستا از هر ابزاری سود میجست تا بر جامعه و زنان بقبولاند که نقش زنان در جامعه نه نقش در تولید اجتماعی بلکه تنها ابزاری است که آنان میتوانند در جهت تولید مثل و ارضای امیال جنسی ایفا نمایند و به همین دلیل با منزوی کردن زنان در کنج خانه ها و در محیطهای بسته آشپزخانه ها و اتاقهای خواب گام بعدی را در جهت استثمار و اعمال ستم جنسی بر زنان برداشت. قدم بعدی رژیم ادامه چنین سیاست استثمارگرانه بر زنان و آنها در خارج از محدوده زندگی و محیط خانوادگی بود و ابزار چنین سیاست ضد زنی از جانب جمهوری اسلامی در شکل شرعی و قانونی آن صیغه یا همان ازدواج موقت است که بیش از پیش به مسخ شخصیتی زنان و استثمار آنان میانجامد. در اینکه اجرای چنین سیاستی تا چه حد منجر به سقوط اخلاقی جامعه و سرکوب شخصیت زنان گشته هیچ شکی نیست و فکر کردن به آن چنان مشمژ کننده است که هیچ حدو مرزی بر آن متصور نمی باشد. اما اگر به مسئله ازدواج و تشکیل زندگی مشترک نیز در فرهنگ مخالف بر جامعه ای که روابط و مناسبات پوسیده و ارتجاعی بر آن حاکم است دقیق نظر بیافکنیم، خواهیم یافت که

اکثریت قریب با اتفاق ازدواجها در جامعه ای با روابط مناسبات استثمارگرانه حاکم بر زمینه های کسب موقعیت و منافع مادی استوار بوده و هست تا اینکه زمینه و مقولاتی از قبیل عشق و علاقه و وفاداری در آن مد نظر باشد. حال با تسلط چنین بینشی بر بستر چنین طرز تلقی از ایجاد زندگی مشترک ممکن است چه معضلاتی در عرصه زندگی و محیط خانوادگی بوجود آید. آنگاه در خواهیم یافت که فحشا شرعی و قانونی تحت نام صیغه و یا هر نام دیگری میتواند چه فجایعی در عرصه زندگی اجتماعی جانعه بیار آورد. و اما در مقابل تهاجمات رژیم بر دستاوردهای دموکراتیک زنان و ضبط آن، جنبش زنان طی سالهای گذشته در اشکال مختلفی در مقابل تهاجمات رژیم ارتجاعی ایستادگی نموده است. زنان بمثابه نیمی از جامعه از ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی مورد حمله سنتهای ارتجاعی و قوانین و ارزشهای مذهبی قرار گرفته اند. مقاومت جامعه و بویژه زنان علیه قوانین ارتجاعی مذهبی و مبارزه برای رهایی زن در جامعه طی بیش از 35 سال حاکمیت جمهوری اسلامی یکی از فراگیرترین جنبشهای اجتماعی در ایران بوده است. گردن نگذاشتن به قوانین ارتجاعی مذهبی در مورد پوشش و روابط اجتماعی مبارزه خود را با رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی به نمایش می گذارد. تلاشهای رژیم برای سرکوب حقوق زنان و تمکین به قوانین ارتجاعی مذهبی که به طور سیستماتیک با ایجاد وحشت در جامعه از طریق سنگسار و شلاق زدن و اعدام در ملا عام به دلیل انتخاب نوع لباس، معاشرت، عشق، و... نه تنها برای به انقیاد کشاندن جنبش زنان و نفی حقوق زنان موفق نبوده بلکه کارنامه ننگین جمهوری اسلامی را سیاهتر نیز کرده است. ناتوانی رژیم از مهار این جنبش از طریق گسترش سرکوب بخشی از رژیم را به صرافت انداخته تا با عقب نشینی موقت در برابر جنبش زنان و انتقاد از سیاستهای خود بتواند این جنبش را مهار کند. تجربه نشان میدهد که از آنجا که این تغییر سیاست نه بر پایه ارزش گذاری برابر زن و مرد بلکه بر اساس ملاحظات سیاسی و دوره ای صورت می گیرد تنها ظاهری بوده و اگر نتیجه ای داشته باشد همانا علنی کردن فحشا و تحقیر بیشتر زنان در عرصه جامعه به مثابه ابزار ارضای جنسی مرد خواهد بود. در سیستمی که بر پایه ستم و استثمار نسل بشر و بخصوص زنان استوار گردیده است ادعای حل معضلات اجتماعی با وجود روابط و مناسبات کهن حاکم بر جامعه که خود مسبب و عامل وجودی چنین معضلاتی است عبث

و بیهوده خواهد بود. صیغه و تن فروشی از معلولهای روابط و مناسبات ارتجاعی حاکم در جامعه محسوب می گردد که به انحطاط اخلاقی جامعه منجر می گردد اگر عده ای از زنان و دختران فقیر و تهیدست از سر اجبار و برای تامین حداقل معیشت خویش ناچار به تن فروشی و تن دادن به صیغه هستند روند انحطاط اخلاقی جامعه تا بدان حد پیش رفته که اقشار تحصیلکرده جامعه نیز برای ارضای جنسی خویش به توجیه آن مبادرت می ورزند. رمز رهایی نسل بشر و بخصوص زنان از قیود و زنجیرهای جامعه طبقاتی و معضلات آن در گرو مبارزه در جهت برانداختن روابط و مناسبات کهن و برقراری نظامی نوین است که بر پایه احترام به شخصیت و کرامت انسانها و برابری آنها در تمامی سطوح پایه گذاری شده باشد.

**با شکست انقلاب توده ای ۱۳۵۷ و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی. یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی نظام سرمایه داری در تفتیق با مذهب. حاکم به مقدرات مردم گردید. رژیم جمهوری اسلامی از همان اول آشکارا با آزادی، مدنیت و دموکراسی به دشمنی برخاست و نزدیک به بیست سال سیاست، سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادهای فردی و اجتماعی، تبعیض و آپارتاید جنسی را برنامه خود کرد. \* در ایران اقلیتی محدود از جامعه، یعنی سرمایه داران با فراغ بال به تشدید استثمار، احتکار، زدوبند با مقامات دولتی و اختلاص به ثروت خود افزودند. از سوی دیگر اکثریت عظیم مردم در محرومیت بسر برده و خواست آنها برای آزادی و عدالت اجتماعی و برابری با سرکوب نیروهای دولتی مواجه شده است. \* تسلط بلامنازع طبقه سرمایه دار بر تمامی وسایل و امکانات تولیدی و مبادله، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی، مانع بزرگ دخالت مستمر و آزادانه توده های عظیم کارگر و زحمتکش و سازندگی واقعی جامعه بر سر نوشت خویش است.**

## بخشی از مفاد قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی...

## تجربیات گذشته . موانع کنونی و ...

اتکاً به نیروی مردم و ایمان به عقاید و اراده آنها سست گردد ضرورت بقاً موجب اتکاً بیشتر به نیروهای خارجی خواهد گردید . تجربه اندوزی را بایستی در ارتباط ما بین این دو عامل جستجو کرد . لازم است با تجربه اندوزی از گذشته و بکارگیری عملی آنها در جریان مبارزه ما بعنوان نیروی پیشاهنگ خواست و اراده انقلابی توده های مردم بمنظور اتحاد و استحکام صفوف جنبش قدمهای جدی و عملی برداریم . اما شرط اصلی برای موفقیت در وظیفه اتحاد و همبستگی واقعی و استحکام صفوف جنبش آگاهی و شناخت عمیق از شرایط جامعه و شرایط و میزان و سطح رشد و گسترش جنبش است . سطح مطالبات و خواستهای دمکراتیک و رادیکال مردم در شرایط معین برنامه تنوریک و عملی جریانات است که تمامی اینها در ارتباط با شرایط و وضعیت اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و رشد نیروهای مولده جامعه و روابط و مناسبات تولیدی و ضرورت تغییر و تکامل آنها تعیین خواهد شد . بدون در نظر گرفتن این عوامل و تنها با در نظر گرفتن خواست و آرزوی اتحاد و آنهم به بهای چشم پوشی از واقعیتهای که وجود عینی دارند ، ببری کاغذی خواهیم ساخت که در خواب و خیال نه تنها رهبری جنبش را در دست دارد بلکه قادر است با دشمنان طبقاتی که با در نظر گرفتن منافع و مصالح طبقاتی خویش و بر اساس واقعیتهای حاکم بر جامعه و برای منظوری معین یا همانا حفظ نظام استثمارگرانه حاکم ، حال با هر روبنای سیاسی که حاکم باشد ، خود را سازمان داده اند ، مقابله نمایند . اگر هدف ما تجربه اندوزی از اشتباهات گذشته است ، بایستی زمینه های شکستهای پی در پی در جنبش را در نظر گرفته و بدقت آنها را ارزیابی کنیم . اگر تفرقه باعث شکستهای بسیاری در گذشته جنبش گردیده ، می توان گفت بسیاری اتحادهای غیر اصولی نیز دلیل ضربه های کشنده و سنگین بر پیکر جنبش بوده است و منظور از آن اتحادها تنها تأمین منافع انقلابی و مصالح زود گذر و موقتی بوده است و منافع و مصالح استراتژیک جنبش و وجود سازمان انقلابی در زمانی تعیین کننده قربانی موضعگیری اشتباه و غیر اصولی گردیده است . افق روش و مشخص تنها در درک عمیق و ریشه ای از حقایق و واقعیتهای جامعه ، خواستهای جنبش در شرایط متفاوت و موضعگیری روشن و شفاف و مؤثر نمایان خواهد گشت و ما را بسوی پیروزی رهنمون خواهد ساخت .

(آرش)

### تحصیل

\* بمنظور تأمین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتکشان ، جوانان ، مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش ، امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود .

### بهداشت و درمان

\* با لغو مالکیت خصوصی بر بهداشت و درمان ، امتیازات طبقاتی در استفاده از امکانات بهداشتی کشور از میان خواهد رفت و بهداشت و درمان برای همه رایگان خواهد بود . درمانگاهها ، بیمارستانها ، مراکز بهداشتی . درمانی و آموزشی ، مکانهای ورزشی و تفریحی متناسب با نیاز های مردم گسترش خواهند یافت . \* ایجاد اماکن و موسسات نگهداری از سالمندان ، معلولین و کسانی که به دلایل نقص عضو و از دست دادن سلامتی قادر به کار نیستند ، ایجاد مراکز سرگرمی و تفریح برای سالمندان رایگان خواهد بود .

### مسکن

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است . جمهوری شورایی ایجاد مسکن مناسب مدرن و مجهز برای کلیه شهروندان را هدف فوری خود قرار می دهد و با قطع سلطه سرمایه داران ، محتکرین و دلالان از امور مسکن و کار و زندگی مردم ، امکان دسترسی همه شهروندان به مسکن مناسب را تضمین می کند .

### امور اقتصادی و مالکیت

جمهوری شورایی ، آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است ، در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوائی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد .

با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد ، دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشرویها و عقب نشینی هاست . در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم ، از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی ، یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراها و نهادهای مردمی قرار

می گیرد .

\* در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی ، دولتی ، شرکتها . صنایع و کارخانجات ، کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محتکرین بر می افتد .

\* در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره ، ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به کار که کار نکند نمیخورد .

[Kar@fedayi.org](http://Kar@fedayi.org)



آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

[www.kare-online.com](http://www.kare-online.com)

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

[info@kare-online.org](mailto:info@kare-online.org)

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته تهران

[tehran@fedayi.org](mailto:tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

مسئولین پالتاک

[paltalkroom@fedayi.org](mailto:paltalkroom@fedayi.org)

کمیته امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

**کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی !**